

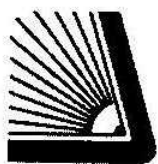
۱۴۹۲/۲/۲۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَمْ يَلَمْ يَلَمْ

تأبارگاه جانان

(سفرنامه اربعین)

علی سوری



انتشارات نظری

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

موضوع

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ما

سوری، علی / ۱۳۳۹

تا بارگاه جانان (سفرنامه اربعین) / علی سوری

تهران: انتشارات نظری ۱۳۹۵

۱۲۰ ص.: مصور (رنگی)

۹-۶۲۰-۲۸۹-۶۰۰-۹۷۸

فیفا

سوری، علی، ۱۳۲۹- زیارتگاه‌های اسلامی عراق- خاطرات - کربلا- سفرنامه‌ها

۱۳۹۵ س ۹ / ۴۴ / ۹ / ۷۷۹ DW

۹۱۵ / ۶۷۵.۴۴

۴۶۳۰۸۸۴

نام کتاب : تا بارگاه جانان (سفرنامه اربعین)

نویسنده : علی سوری

صفحه آرا : امیر علی کشاورز

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۶

شمارگان : ۵۰۰



انتشارات نظری

«کلیه حقوق مادی، چاپ و نشر مخصوص و محفوظ است. ناشر می‌باشد»

دفتر مرکزی : تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سید جمال‌الدین - ای بابی (به سف آباد)

نبش خیابان فتحی شقاقی، جنب بانک انصار، پلاک ۳۲، طبقه ۲، واحد ۱۷

info@nashrenazari.com

همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵

www.nashrenazari.com

تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

قیمت : ۷۰۰۰۰ ریال

صفحه	عنوان
۱۱	پیش درآمد
۱۳	چرا دست به قلم شدم
۱۴	سیاس گزاری
۱۵	سبد یکم - از تهران تا کوت
۱۷	سر آغاز سفر با بدرقه نمازگزاران مسجد
۱۸	توبت بی استراحت و شام در نزدیکی همدان
۱۹	توقف در جاده سرخک در شهر ایلام
۱۹	پستی - بلندی های طرک ایلام
۱۹	آغاز پیاده روی از چند کوهستان مهران
۲۰	ورود به شهر مهران
۲۰	راه پیمائی از شهر مهران به سوی مرز
۲۱	رسیدن به مرز مهران و کشیدن یا چشیدن سختی
۲۱	حسی ناشناخته، هنگام ورود به خاک عراق
۲۲	چند و چون پایانه مرزی عراق
۲۳	فراوانی خودروهای خارجی و رواج پول ایرانی
۲۳	کوت، شهر مرزی عراق در همسایگی مهران
۲۴	موکب، همان تکیه و هیئت ایرانی است
۲۴	یافتن موکب خالی و پیاده شدن از اتوبوس
۲۵	خوردن شام و شب چره با بچه های عراقی
۲۵	عراقی ها، شیفته امام رضا، دوستدار ایران و سردار سلیمانی

- سبد دوم - از کت تا کاظمین ۲۷
- خوردن صبحانه جانانه در موکبی دیگر ۲۹
- پرچم‌های رنگارنگ برافراشته ۲۹
- داروخانه رایگان، روی میزی کوچک ۲۹
- بلماج فارسی در پایانه ۳۰
- کوبه، بدون خونریزی در دست ایرانی‌ها ۳۰
- کاروان‌های عراق، روانه به سوی نجف ۳۱
- چشم‌اندازهای کربلا کاظمین ۳۱
- ماکت‌های بزرگ کوفی در جای مسیر ۳۱
- «مای» به جای «ماء» و «دلی» به جای «سارق» ۳۲
- پذیرائی چرب و چیله در موکب‌های تفراهی ۳۲
- وزش نسیم مهربانی ۳۳
- راه‌پیمایان پرچم به دست و نظامیان کلاه‌کج ۳۳
- پیرمردهای اسب‌سوار و شترسوار ۳۴
- آبادی یا شهرکی به نام شوملی و خوردن نارنگی ۳۴
- نخلستان‌های خرم، خانه‌های ویلانی و کشت‌های گلخانه‌ای ۳۵
- شهرکی بزرگ در نزدیکی بغداد ۳۵
- سیمای بغداد در نگاهی گذرا ۳۶
- یک خانم افغانی تک در مینی‌بوس ما ۳۷
- ورود به کاظمین، و پریدن دل در هوای دو امام معصوم علیهماالسلام ۳۷
- یافتن موکب در دویست، سیصد قدمی حرم ۳۸

- ۳۸ آواره کچه‌ها در جستجوی گرمابه
- ۳۹ کاظمین یا کاظمیه؟
- ۴۰ حال و هوای حرم مطهر کاظمین
- ۴۰ زائر، از امامش چه می‌خواهد و چرا می‌خواهد؟
- ۴۱ نماز مغرب و عشا در حرم مطهر
- ۴۱ دمخور شدن با نوجوان‌های عراقی در موکب
- ۴۲ علاقه نوجوان‌های کاظمینی به زبان فارسی
- ۴۳ نظام آموزشی ما، ناتوان در آموزش زبان عربی
- ۴۳ زیارت دویه، نماز صبح و راز و نیاز در حرم مطهر کاظمین
- ۴۵ سید سوم - از کاظمین نا سامرا
- ۴۷ مسیر سامرا و چگونگی آن
- ۴۸ نمایان شدن گنبد و گلدسته‌های حرم مطهر از دور
- ۴۸ چشم‌انداز سامرا در یک نگاه
- ۴۹ آب روان، کابین زهرای اطهر سلام‌الله علیها
- ۴۹ پایانه اتوبوس‌ها، جنایت‌گاه داعش
- ۵۰ اندرزی دلسوزانه به داعش
- ۵۱ مگر شیعه، چه می‌گوید؟
- ۵۱ سامرا، شهری پادگان‌گونه و درجازه
- ۵۲ آستان و بارگاه امامان عسکری علیهما السلام
- ۵۲ حلیمه‌خاتون و نرگس‌خاتون نیز، در جوار امامان عسکری
- ۵۳ نماز ظهر و عصر و ناهار، در حرم مطهر امامان عسکری علیهما السلام

- ۵۳ سرداب امام زمان عجل الله تعالی فرجه، و دیدار آیت الله مرعشی در این جا با امام
- ۵۵ سبب چهارم - از سامرا تا نجف
- ۵۷ حرکت از سامرا به سوی نجف
- ۵۷ نماز مغرب و عشا و شام در نخلستان
- ۵۸ شهر تاریخی کوفه
- ۵۸ رود نجف اشرف
- ۵۹ وادی السلام در دارالسلام
- ۶۰ گزارشی از حرم، لا، علی علیه السلام
- ۶۱ اتراق در مقام صافی ها
- ۶۲ حرم فاطمه زهرا، سازه‌ای بنیاد در کنار حرم امیر مؤمنان
- ۶۲ بازارچه رو به روی حرم، زمینه ساز برای
- ۶۳ خواندن نماز صبح در حاشیه حرم
- ۶۴ نوسازی طلای گنبد شاه نجف
- ۶۴ این جا، بارگاه کیست؟
- ۶۵ شکوه بارگاه علوی
- ۶۶ داستان شارژ گوشی در حرم مطهر و درد سر آن
- ۶۷ صبحانه پنجشنبه ۹۵/۸/۲۷ در موكب شمالی ها
- ۶۸ دورنمای بحر نجف
- ۶۸ جستجوی حمام در نجف اشرف
- ۶۹ توفیق زیارت دوباره
- ۷۰ رفتن به بازار و خرید انگشتر

- سبد پنجم - از نجف تا کربلا ۷۱
- گام اول در مسیر کربلا ۷۳
- گزارش فرشتگان به سالار شهیدان ۷۳
- آغاز راه‌پیمانی از عمود یکم ۷۴
- دعوت موکب‌داران به جماعت مغرب و عشا و پذیرائی ۷۴
- شب جمعه، دعای کمیل ۷۵
- حالات راه‌پیمانی از نگاهی دیگر ۷۵
- ویلاهای روستاها، نمادهای زیبایی ۷۷
- یولج الیل فی النهار و نلج النهار فی الیل ۷۷
- چاره‌سرمای شب، سیراغ و لایا و عدسی گرم ۷۸
- خواب چهارساعته، نماز جماعت صبح، دعای ندبه ۷۸
- آزادراه نجف - کربلا، چهارخطه و سراسر شکر، چراغانی ۷۹
- پخش مداحی، از بلندگوی برخی موکب‌ها ۷۹
- هوای امروز جمعه ۹۵/۸/۲۸ ۷۹
- زبان و گویش زائران اربعین ۸۰
- مایه‌دار و ندار، میزبان زائران حسینی ۸۰
- سفره‌ای به درازا و پهنای سرزمین عراق، آکنده از نعمت‌های گوناگون ۸۱
- دو تا دختر ژاپنی در میان راه‌پیمایان ۸۲
- بهار صلوات و دعای فرج ۸۲
- کاروانی نمادین از اسیران کربلا ۸۳
- یک گام به سوی کربلا، به نمایندگی و نیابت از هر شهید و هر مرده ۸۴

- ۸۴ نماز مغرب و عشا و استراحت در موکب عبدالله رضیع
- ۸۵ دوش گرفتن پس از شش روز پرتلاش
- ۸۶ سبک کردن بار کوله، پیش از پیوستن همراهان به من
- ۸۶ شلغم داغ، در سبد پذیرائی موکب‌های توراهی
- ۸۷ پاره‌ای از واژه‌ها، معنی خود را، در راه‌پیمائی اربعین از دست داده‌اند
- ۸۸ سبزه‌سینه و آموختن چند واژه در موکب «سرای سلام»
- ۸۹ کاروان زنان از جبهه‌ری آذربایجان
- ۸۹ عراقی‌ها هم، «موز» «ز» می‌گویند
- ۹۰ نیابت شهید در راه‌پیمائی اربعین
- ۹۰ پیدا شدن یک گوشی همراه، در کنار عمود ۱۱۰۰
- ۹۱ همه جا، کربلاست
- ۹۱ مشیت و مال جانانه در عمود ۱۱۲۰
- ۹۲ خوش به حال آقا ایرج، با این همه شوخ‌طبعی
- ۹۲ پیش‌نماز و نقل حدیثی ناب در شأن امام حسین علیه‌السلام
- ۹۳ نذار و تهیدست در میان زائران
- ۹۴ فرق چای عراقی با ایرانی
- ۹۴ شب‌ها، افروختن آتش و روزها، گذاشتن پنکه بر سر راه زائران
- ۹۴ جوان‌های اردوزبان، در حلقه سینه‌زنی
- ۹۵ دوغ را، در عراق هم دوغ می‌گویند
- ۹۵ حلقه کوچکی از دختر بچه‌های سینه‌زن
- ۹۶ زنان سیاه‌پوش و شال بر دوش

- ۹۶..... نان‌های عراقی و گونه‌هایش
- ۹۷..... کباب ترکی با گوشت سفید و قرمز
- ۹۷..... آبگوشت عصرانه با تربچه سفید
- ۹۸..... پاسخ به یک پرسش فرضی
- ۹۸..... همراه بودن روحانیان با راه‌پیمایان
- ۹۹..... یاتوق زائران، پای عمودها
- ۹۹..... صندوق‌ها، چیدمان شده برای استراحت زائران
- ۱۰۰..... شعارهای راه‌پیمایان
- ۱۰۰..... مشک، نماد یادمان سقای کربلا
- ۱۰۰..... آب و جارو کردن زیر پای زائران
- ۱۰۱..... خوش‌دست نبودن آفتابه‌های عرسی
- ۱۰۱..... فاصله عمودها یا عمادها از هم
- ۱۰۲..... کاروانی چند صد نفره از دختران و زنان - چنبره لناب
- ۱۰۲..... نام‌گذاری موكب‌ها به نام نامداران صدر اسلام
- ۱۰۳..... تشتی پر از گل در نه کیلومتری کربلا
- ۱۰۳..... باراندازی و اتراف در عمود هزار و سیصد
- ۱۰۴..... فارسی گفتن مرد بغدادی به لهجه تهرانی
- ۱۰۴..... گپ و گفت با جوانی از جمهوری آذربایجان
- ۱۰۵..... خاطره‌ای تاریخی از خاک‌سپاری سه جنازه عجیب در گورستان مسکو
- ۱۰۶..... نیمه شب و عزم زیارت مولا
- ۱۰۷..... در آستانه حرمین شریفین

- بارگاه باشکوه قمر منیر بنی هاشم علیه السلام ۱۰۸
- بین الحرمین ۱۰۸
- حال و هوای شورانگیز حرم سرور آزادگان، اباعبدالله الحسین علیه السلام ۱۰۹
- نشانه‌های مؤمن از زبان روایت ۱۱۱
- پرسش از امام جماعت در تنگنای چه کنم، چه کنم ۱۱۲
- سید ششم ۱۱۵
- از کربلا تا تهران ۱۱۵
- نقد و بررسی کاستی‌ها و زیرساخت‌ها ۱۱۵
- در تکاپوی برگشت به ایران ۱۱۷
- چکیده سرگذشت از کربلا تا تهران ۱۱۸
- ولیمه نخستین سفر کربلا ۱۱۹
- آنچه بستم و با خودم به سفر عتبات بردم ۱۲۰
- آنچه با خودم بردم ولی به کار نیامد ۱۲۱
- «جوواب کربلانی»، برای گذاشتن در کفنم ۱۲۲
- نقد و پیشنهاد در زمینه زیرساخت‌ها و نیازمندی‌های همایش - هانی یعین ۱۲۳



نگارنده، سرگرم نوشتن یادداشت!

پیش درآمد

سفرنامه، منبع خوبی برای بررسی و پژوهش در تاریخ اجتماعی سرزمین‌هاست. زیرا، دستاورد نشست و برخاست روی نویسنده با توده‌های مردم است. سفرنامه‌نویسی، در ایران و جهان اسلام، پیشینه‌ای صد ساله دارد. اگر بخواهیم سرآمدان و پیشاهنگان این گونه ادبی را در عصر اسلامی کند و کاو کنیم، از نامداران بسیاری یاد باید کرد که در این زمینه قلم رفته و آثار جاویدان پدید آورده‌اند. از آن میان، پدیدآوران پیشگام زیر، الگوی سفرنامه‌نویسی در جهان اسلام بویژه در ایران، به شمار می‌آیند:

ناصر خسرو قبادیانی بلخی در سده پنجم هجری؛

سفر ناصر خسرو، سال ۴۳۷ق. از مرو آغاز شد. از نیشابور، ری، قزوین، تبریز، مرند، خوی و از شهرهای ارمنستان (وان، اخلاط و بطلیس) گذشت. از آن جا به شام، بیت المقدس و مکه رفت. سپس عزم مصر کرد. از قاهره، دو بار دیگر حج

رفت. آن‌گاه، از راه طائف، تهامه و یمن، به بصره رسید. از بصره، به ارجان فارس رفت و از اصفهان، نائین، قائن، تون و سرخس، گذشت تا این‌که، در سال ۴۴۴ق. به بلخ، بازگشت.

سفرش، هفت سال به درازا کشید. ناصر خسرو در سفر دور و دراز خود، سختی‌ها و دیدارهای بسیار دید. سفرنامه‌اش، شرح آن سفر طولانی و از آثار نفیس نثر فارسی در سدهٔ هجری است. گذشته از شیرینی و شیوایی اثر، نکته‌های دقیقی از وضع شهرها، بناها، آثار مهم، زندگی مردم و رفتارهای اجتماعی در سرزمین‌های مختلف، در این سفرنامه، ثبت و ضبط شده و به دست ما رسیده است.

ابن بطوطه؛

سفرنامهٔ ابن بطوطه، یادگار بارز شمس از قرن هشتم هجری به عربی ساده و روان است که آن را، محمدعلی موحد، به ناسی برگردانده است. اثر یاد شده، ارمغان سفرهای طولانی نویسنده از سال ۷۵۵ تا ۸۵۴ق. به دور دنیای زمان اوست. وی، از قلب آفریقا تا کرانهٔ دریای چین سفر کرده و احوال، آداب و آئین‌های ملت‌های گوناگون را در شهرهای اسکندریه، قاهره، غزه، اود، حلب، دمشق، مدینه و مکه، و در ایران، شهرهای اشترخان، فیروزان، اصفهان، سمرقند، کازرون، هرمز، بحرین و نیز، عمان تا دهلی، کلکته و سیلان، در کتاب ارزشمند خود نگاشت و به یادگار گذاشت. این اثر سودمند، وضع سرزمین‌های اسلامی را، در حساس‌ترین و بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخی، از تازش مغول تا یورش تیمور، نشان می‌دهد!

ناصرالدین شاه قاجار؛

ناصرالدین شاه هم، از سفرنامه‌نویسان سرآمد در ایران و جهان اسلام است. او، چند سفر به روسیه و اروپا داشته که شرح آن‌ها، در چندین جلد به نام «سفرنامهٔ فرنگستان» به چاپ رسیده است. همچنین، سفری زیارتی به عراق کرده که شرح

آن را، «سفرنامه عتبات» نامیده است. سفرنامه قم و خراسان وی نیز، از همین دست یادگارهای ماندگار اوست. این آثار، با نثری ساده و روان نگارش یافته‌اند و ارزش تاریخی و ادبی دارند.

حاج زین‌العابدین مراغه‌ای در عصر مشروطه؛

سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ، نوشته حاج زین‌العابدین مراغه‌ای، از سفرنامه‌های سیاسی و باارزش جنبش روشنگری در عصر مشروطه است. نام‌برده، از آزادی‌خواهان دل‌سوخته ایران است که سال‌ها در قفقاز، تفلیس و استانبول زندگی کرد و با نوشتن مقاله در روزنامه‌های آن روزگار، نقش سازنده‌ای در بیداری ایرانیان بازی کرد!

جلال آل احمد، نه سنده معاصر؛

جلال آل احمد، داستان‌نویس و روزگار ما نیز، سفرنامه خود را به نام «حسی در میقات» نوشت که شرح سفرش به حجاز خداست. سبک ساده‌نویسی جلال، الگوی سازنده و راه‌گشایی است برای کسانی که علاقه‌مند به کار نویسندگی هستند و می‌خواهند در این میدان بدرخشند.

چرا دست به قلم شدم

این ناچیز، خوشه‌چین سفرنامه‌نویسان پیش از خود نیز به شمار می‌آید؛ ولی با سامان دادن این دفتر، به گمان خود، راه پیموده آنان را، پی گرفته و پلش داده است. نگارنده این یادداشت‌ها، دریغش آمد، در نخستین سفر خود به کربلا، دیدنی‌های این سفر بی‌مانند را، ندید بگیرد و روی کاغذ بیاورد! از این رو، دست به قلم برد تا از یک سو، مشتی از گوهرهای پنهان در این کان سرشار را، فراچنگ آورد و از دیگر سو، یادگاری به جا بگذارد که ماندگارتر از زندگانی زودگذر باشد!